

مرثیه سرایی در شعر فارسی و عربی با نگرشی بر مرثیه شعر احمد وائلی از نظر سبک و محتوا

پدیدآورنده (ها) : یارعلی زاده، احلام؛ انصاری پور، رحیم

ادبیات و زبانها :: نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی :: تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۵۰ (A/ISC)

مقالات مرتبط

- نقد و بررسی فرزندخواندگی در دایرة المعارف قرآن
- جمله‌های مرکب در مثنوی مولانا و تبیین الگوهای دستوری و روابط معنایی و منطقی آنها
- تأثیر قرآن در اشعار حکیم فلکی شروانی
- بررسی برخی عناصر سبکی در شعر فلکی شروانی

عناوین مشابه

- مرثیه سرایی در ادب فارسی و عربی با تکیه بر مقایسه مرثیه ابوالحسن تهامی و مرثیه خاقانی شیرازی
- تحلیل مقابله ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا، واژگان و سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل)
- بررسی تطبیقی سبک شناسی اشعار فارسی و عربی شیخ بهایی در ساختار و محتوا
- چالش های ترجمۀ شعر از عربی به فارسی (با بررسی اشعاری از نزار قبانی، بدر شاکر السباب و نازک الملائکه)
- سیر تطور دهنامه و سی نامه سرایی در شعر فارسی با تکیه بر تحلیل ساختاری و محتوایی
- برررسی تطبیقی بازآفرینی اسطوره پرومته در شعر معاصر عربی و فارسی (با تأکید بر شاعران برجسته)
- ارزش شناسی جایگاه زن (همسر) در شعر معاصر فارسی و عربی (با رویکردی انتقادی بر دیدگاه فیمینست اگزیستانسیالیستی دوبوار)
- گفتمان دنیاگریزی در شعر کلاسیک عربی و فارسی (با تکیه بر اشعار ابواسحاق البیری اندلسی و ناصر خسرو)
- بررسی اجمالی شعر معاصر فارسی و اردو از نظر شکل و محتوا
- الگوی اسطورة باروری در شعر معاصر فارسی و عربی؛ با بررسی موردی اشعار احمد شاملو و بدرشاکر السیّاب

مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۸؛ صص **۴۰۳- ۴۲۸**

مرثیه سرایی در شعر فارسی و عربی با نگرشی بر مرثیه شعر احمد وائلی از نظر سبک و محتوا

احلام یارعلی زاده*

رحیم انصاری پور**

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۸

چکیده

رثاء در شعر *احمد وائلی* به غایت برجسته است، و ایشان توانسته است از نظر سبک و محتوا به قله‌های این سبک دست یابد. او برای شعر رسالت بزرگی در پیام‌رسانی و ارشاد قائل بود و معتقد بود شاعر متعهد باید پیام رسان و راهنما باشد و همانطور که منبر رسالت دارد شعر نیز دارای نقش و رسالت است. وی نه‌تنها به بیان دشواری‌ها و چالش‌های موجود در جامعه اسلامی می‌پردازد بلکه مردم را به بصیرت، آگاهی، پایداری و مبارزه علیه استبداد و استعمار نیز فرا می‌خواند. اصالت اسلامی- شیعه و پرهیز از غرب گرایی و تفرقه، مشخصه آشکار اندیشه *وائلی* است. بکارگیری ساختارهای خطابی استوار، توجه به مسائل فکری، اعتقادی، نیازها و خواسته‌های کنونی مسلمانان از جمله ویژگی‌های بارز شعر دینی او است. می‌توان در نمونه‌های شعری ایشان نوآوری و ابداع را به وضوح مشاهده کرد. *وائلی* یک شاعر متعهد به تمام معنا بود. شعر نزد *وائلی* جنبه تفریح و ذوق و دوست داشتن نداشت بلکه او برای شعر رسالت بزرگی در پیام‌رسانی و ارشاد قائل بود و شاعر متعهد باید پیام‌رسان و راهنما باشد.

کلیدواژگان: مرثیه، شاعر متعهد، اهل بیت(ع)، وائلی، پایداری.

---

* گروه زبان و ادبیات عرب، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

raheemansaripour@yahoo.com

نویسنده مسئول: رحیم انصاری پور

مقدمه

وائلی یکی از شاعران معاصر شیعی عراق در عرصه شعر دینی است؛ وی در این گونه شعری، توانسته است میان فضیلت‌های اهل بیت(ع) و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر روزگار خویش، پیوندی استوار برقرار کند. رثاء در شعر عربی به بیان شرایط روحی، ابراز تحسّر و ناراحتی بر مرده، گریه بر فضایل و مناقب وی برای به تصویر کشیدن احساسات درونی او و در برابر مرگ، اطلاق می‌شود. برخی از ناقدان فرقی بین مدح و رثا قائل نشده‌اند جز اینکه اولی را ذکر فضایل زنده و دومی را در شمارش فضایل مرده انگاشته‌اند. شعر دینی وی، بیان‌گر عاطفه نیرومند، اعتقاد قوی و عزم راسخ شاعر در کوشش برای رسیدن به هدف‌های ارزشمند بوده و همراه با خردورزی و اعتدال است. وی نه‌تنها به بیان دشواری‌ها و چالش‌های موجود در جامعه اسلامی می‌پردازد بلکه مردم را به بصیرت، آگاهی، پایداری و مبارزه علیه استبداد و استعمار نیز فرا می‌خواند.

اصالت اسلامی- شیعی و پرهیز از غرب گرایی و تفرقه، مشخصه آشکار اندیشه *وائلی* است. بکارگیری ساختارهای خطابی استوار، توجه به مسائل فکری، اعتقادی، نیازها و خواسته‌های کنونی مسلمانان از جمله ویژگی‌های بارز شعر دینی او است.

شاید بارزترین دعوت به رثاء را امام شهیدمان در واپسین لحظات عمر پربرکت‌شان انجام داده باشند. آنجا که فرمودند:

شیعتی مَهما شَرِبتم ماءَ عذبٍ فاذکرونی

أَو سَمِعتم بِهِ غَریبٍ أَو شهیدٍ فانذبُونی

اکثر آثار *شیخ وائلی* در رثای اهل بیت سروده شده است اما چنین نیست که مضامین بلند شعری او به همین محدوده ختم شود. شعر *وائلی* ابزاری است برای بیان افکار اجتماعی و سیاسی و فرهنگی. شاید بتوان او را یک مصلح اجتماعی به حساب آورد. مرد اصلاح طلبی که گاه در خطابه و گاه در اشعار خویش از اندیشه‌های اصلاحی خود سخن می‌گوید. حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه نقش بسزایی در تحولات شعر دینی عرب داشته است. به عنوان مثال سرکوب سیاسی مردم عراق موجب گردید تا مرثیه حسینی از شعر حزن آلود و بکائی به شعری بدل گردد که منادی انقلاب بوده و از خلال توصیف نهضت *امام حسین(ع)* به قیام بر ضد ظلم فراخواند(الموسوی،۱۴۱۶: ۵۱۰).

شعر نزد *وائلی* جنبه تفریح و ذوق و دوست داشتن نداشت بلکه او برای شعر رسالت بزرگی در پیام‌رسانی و ارشاد قائل بود، و معتقد بود شاعر متعهد باید پیام‌رسان و راهنما باشد و همانطور که منبر، رسالت دارد. شعر نیز دارای نقش و رسالت است و شعر هدف است و نه وسیله گدائی. وی به وسیله شعر بر بسیاری از جریانات و امور سیاسی و اجتماعی تأثیر گذاشته و قصائد زیادی در امور سیاسی دارد که موفق شده است، با خواسته‌های مردم همراهی کند و با حکومت‌های پی در پی عراق مقابله نماید(الطریحی، ۳۴۴:۱۴۱۶).

وائلی در روزگاری زندگی می‌کرد که سرزمین‌اش از استبداد و استعمار رنج می‌برد و گرایش به فرهنگ غربی، سکه رایج اوضاع فرهنگی آن کشور به شمار می‌آمد. از این رو بر آن بود تا با بهره‌گیری از منبرهای حسینی و شعر دینی، مردم را به سوی بیداری، پایداری و ارزش‌های دینی رهنمون نماید. وی هیچ گاه، تسلیم تهدید و تطمیع حاکمان ستم‌گر عراق نشد و بارها از سوی آنان، زندانی و تبعید گردید؛ اصالت اسلامی- شیعی و پرهیز از غرب‌گرایی و تفرقه، توجه به نقش زنان در عرصه‌های دینی- اجتماعی از مشخصه‌های آشکار اندیشه وائلی بود؛ وی دانشمند و ادیبی مردم‌گرا بود؛ برای وجدان و فرهنگ آن سامان می‌گفت و می‌سرود. پیروی از آموزه‌های اهل بیت(ع) او را به مانند برخی از شاعران کلاسیک شیعه، در خط اول مبارزه با ستم قرار داده بود. از این رو نام و روش او همواره در اندیشه مردم عراق و برخی از سرزمین‌های اسلامی، ماندگار شده است(سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

وائلی یک شاعر متعهد به تمام معنا بود. با وجود اینکه شعر، شغل اول او نبود و به آن اندازه که خطیب بود به عنوان شاعر شناخته نمی‌شود اما در کنار تأثیرگذاری در خطبه‌های حسینی، به سرودن شعر به اسلوب شاعران نجف نیز پرداخته است و به این خاطر، بعضی از شعرهایش در میان توده‌های ملت شهرت یافت، و بهترین ابیات‌اش در میان خوانندگان ادب و دوستداران شعر رواج یافت. بر هیچ کس پوشیده نیست که در سبک رثاء دینی برکات عظیمی نهفته است و از جانب ایشان پاداش غیر قابل وصفی برای آن تعیین شده است. *امام صادق(ع)* در این‌باره می‌فرماید: «من قال فینا بیت شعر

بنی الله تعالی له بیتا فی الجنة»(هر کس یک بیت شعر در مورد ما اهل بیت بگوید، خداوند متعال در بهشت خانه‌ای برای او بنا می‌کند»(حر عاملی، ۵۹۷:۱۴۰۹).

در سیره اهل بیت شاعران همیشه مورد تکریم ایشان بوده‌اند و دید ماورائی به منشأ شاعرانگی آن‌ها شده است. *زراره* نقل می‌کند که *کمیت بن زید* بر *امام جعفر صادق(ع)* وارد شده‌اند و شعری را برای ایشان سرودند. آنگاه که فارغ شدند *امام(ع)* به *کمیت* فرمود: «همیشه و تا زمانی که در مورد ما شعر می‌سرائی مؤید به روح القدس باشید»(کلینی، ۴۱۷:۱۴۲۹).

بیان مسأله

برشمرن خصلت‌های نیکو و صفات عالی انسان بعد از مرگ که از آن به عنوان رثاء یاد می‌شود، در تمام دوره‌های تاریخ یکی از مهم‌ترین اغراض شعری در میان شعرا بوده، و کم‌تر شاعری می‌توان یافت که در این مجال، لب به سخن پردازی نگشوده باشد. رثاء بیانی است شعری، انسانی، عاطفی که هم‌سان با موضوع مدح است با این تفاوت که نوع عاطفه، صدق و میزان آن در هنر رثاء مشهودتر است. این فن دربردارنده مفاهیمی چون نوحه سرایی، گریستن بر متوفی با عبارات و تعابیری حزن آلود و ریزش فراوان اشک است، همچنان که ستایش انسان ازدست‌رفته و ذکر فضایل اخلاقی او را نیز به دنبال دارد. اکثر شعراء در این فن با استفاده از تعابیر مثلی و حِکمی سعی در کم کردن مصیبت وارده و صبر و تحمل بر آن دارند. ادبیات عرب در طول تاریخ شخصیت‌های برجسته و شاعران زیادی را به خود دیده است که در آفاق ادبیات عرب نقش بسزایی را ایفا کرده‌اند یکی از شخصیت‌های به نام در دوران معاصر که شیفته اهل بیت بود، *شیخ احمد وائلی* است که با اشعار ناب و خالصانه خود عشق خود را به ائمه اطهار و اهل بیت نشان داد.

وائلی با گونه‌ها و اغراض مختلف شعر آشنایی داشته اما رثاء از اصلی‌ترین اغراض شعری او به شمار می‌رود، و این هنر شعری نزد او درنگی زیبا و تأمل برانگیز است که در آن از عقلی وارسته و عاطفه‌ای عمیق و خیالی وسیع تشکیل می‌شود که با آن سعی دارد افکار را به تصویر کشد و حقایق را برجسته سازد، و در این میان گاه به تقلید از شعرای

نامدار پیشین پرداخت و زمانی هم گوی سبقت را از شاعران پیش از خود ربوده و دست به نوآوری و ابداع زده است. رثاء در شعر *وائلی* به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱.رثاء دینی که شاعر در آن زیباترین قصائد خود را به رثای رسول اکرم اختصاص داده است، و خصلت‌های نیکو و صفات پسندیده ایشان را به شکلی جدید و همراه با حکمت و پیام‌های اخلاقی به تصویر کشیده است.

۲.رثای دوستان که شاعر در آن با عاطفه راستین و صادقانه خویش بر دوست مرحوم‌اش می‌گرید و قصائدخود را با تعابیری کنایی درباره دنیا و مرگ می‌آراید.

۳.رثای همسر که به نوعی ابداع شاعر به حساب می‌آید، نهایت وفاداری و اخلاص را نسبت به همسر خود بیان می‌دارد و تا اندازه‌ای تغزل با همسر را در قالب زبان و تصویر نشان داده است، به گونه‌ای که در آن وحدت موضوع با وحدت عاطفه قرین گشته و نسبت به دیوان‌های دیگر شاعران متمایز ساخته است.

۴.رثای شهرها که وجه تمایز آن با دیگر انواع رثاء این است که محدود به شخص، خانواده و یا قبیله‌ای نیست بلکه مصیبتی بزرگ است که همه مردم را در بر می‌گیرد به‌ویژه زمانی که مصیبت وارده بر شهرهای مقدسی چون بغداد باشد.

مرور ادبیات و سوابق مربوط

درباره اولین مرثیه سرایی در ایران پیش از اسلام اطلاع چندانی در دست نیست ولی قراینی نشان می‌دهد که مرثیه سرایی در ایران باستان رواج داشته است. «رثای مرزکو» یکی از نمونه‌های شناخته‌شده این قبیل مراثی است(افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶).

در دوره اسلامی ظاهراً قدیمی‌ترین مرثیه موجود شعر *ابوالینبغی* درباره ویرانی سمرقند است(همان). مرثیه سرایی یکی از موضوعات مهم در ادب فارسی و عربی است، کم‌تر شاعری را می‌توان یافت که بدان توجه نکرده باشد، *خاقانی* در سوگ فرزند خویش می‌گوید:

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشاید ژاله صبحدم از نرگس تر بگشاید

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۵۸)

راه نفسم بسته شد از آه جگر تاب کو هم‌نفسی تا نفسی رانم از این باب
(همان: ۵۶)

نظر به اینکه *شیخ احمد وائلی* به عنوان یک شاعر برجسته شیعی شناخته شده است، بر این اساس اهل پژوهش و تحقیق، مقالات و رساله‌هایی در مورد شخصیت حقیقی و ادبی او نوشته‌اند. لازم به ذکر است که با وجود چنین شخصیت والای او، مقالات نگاشته‌شده درباره ایشان بسیار اندک است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «شیخ الدکتور احمد الوائلی؛ حیاته وهمومه من خلال أشعاره» این مقاله توسط *عبد المطلب محمود سلمان* در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه المثنی نوشته شده است. نویسنده این مقاله سعی کرده است تا با بررسی اشعار شاعر به شخصیت او پی برده و روحیات شاعر را از طریق دیوان او مورد بررسی قرار دهد. لذا با مراجعه به دیوان شاعر، قصائدی را که در مدت زمان سکونت‌اش در نجف اشرف بوده و زمانی که بار سفر را به مکان دیگر می‌بندد، مورد تحلیل قرار داده است.

- «سیمای اصحاب کساء در آئینه اشعار شیخ احمد وائلی» این مقاله توسط *احمد پاشا زانوس* در تابستان ۱۳۹۲ نوشته شده است و در مجله علمی پژوهشی لسان المبین به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله با بررسی دیوان *احمد وائلی* به این نتیجه رسیده است که شاعر با سبکی نافذ، محکم و قوی و با بهره گرفتن از سادگی و با استفاده از براهین منطقی متخذ از قرآن و حدیث همواره به دفاع از اهل بیت معصوم پرداخته است.

اما تا کنون پژوهشی در مورد قصائدی که شاعر منحصراً به رثاء اختصاص داده است، چه در ایران و چه در جهان عرب، صورت نپذیرفته است. به این ترتیب در این مقاله سعی شده است تا مهم‌ترین شاخصه‌های مرثیه‌های این شاعر بزرگ دینی چه از نظر محتوایی و چه از نظر فرم و زبانی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

زندگینامه

احمد بن شیخ حسّون بن شیخ سعید بن شیخ حمود اللیثی الوائلی در سال ۱۳۷۴ق/ ۱۹۲۸ م در نجف اشرف به دنیا آمد، و بیش‌تر عمر شریف خود را در این شهر مقدس گذراند.

در تمامی مطالبی که در مورد زندگی شیخ احمد وائلی نوشته شده است چیزی در مورد کودکی ایشان وجود ندارد، البته او در قصاید خود گاه از کودکی شیرین و به‌یادماندنی خود سخن می‌گوید که از مجموع آن می‌توان نتیجه گرفت کودکی آرام و راحتی داشته، و تصویر این دوران آرام و بی دغدغه تا مدت‌ها در ذهن او باقی مانده است(وائلی، ۱۹۹۸: ۹۳-۹۴).

پدر ایشان *شیخ حسون الوائلی* بود که در سال ۱۹۶۳م وفات یافت، و والده ایشان *مرحومه الحاجه بیبی* دختر *شیخ جواد بن محمد حسین بن شیخ علی زینی النجفی* بود(غانم نجیب: ۵۷). انتخاب نام *احمد* به خاطر تقارن ولادت او با سالروز ولادت پیامبر مکرم اسلام بود. خانواده *وائلی* از خانواده‌های عربی اصیل در عراق است و برخی از افراد آن به شجاعت و شهامت معروف‌اند؛ و علاوه بر این برخی از شخصیت‌های علمی و ادبی بسیاری در آن ظهور یافتند که از جمله آنان می‌توان بـه *ابراهیم وائلی* و *دکتر فیصل وائلی* و دیگران اشاره کرد. خانواده او به خانواده آل حرج معروف بود، و اگرچه مثل خانواده‌های بزرگ علمی نجف آل مظفر، آل بحر العلوم و آل کاشف الغطاء زیاد مشهور نبود ولی علم و معرفتی که این علامه بزرگ کسب کرد خانواده‌اش را بلندآوازه ساخت (الطریحی: ۱۴۱۶: ۱۲).

پدر *شیخ احمد* تاجر حبوبات بود، و بیش‌تر عمرش را در شهر ابی صخیر گذراند و این مربوط به زمانی است که هنوز به خدمت منبر در نیامده بود. *شیخ وائلی* درباره او چنین می‌گوید: «پدرم خطیب گمنامی بود و چون در سن میانسالی وارد این عرصه شد مطالعات اندکی در مورد خطابه داشت. او در ابتدا به فروش ادویه و خرما مشغول بود و هرچند وقت یک بار به حیره می‌رفت، و مقداری ادویه می‌خرید و در مغازه‌اش میگذاشت و به تدریج می‌فروخت. وضع مالی ما خوب بود. همسر عمه‌ام *شیخ محمد علی قسام* به عنوان خطیبی انقلابی شناخته می‌شود چراکه در جریان مبارزات علیه استعمار شجاعت بسیار از خود نشان داد. او پدرم را راضی کرد که شغل خود را رها کند و خطیب شود. پدرم فروشندگی را رها کرد و به منبر و خطابه روی آورد. پدرم حافظه خوبی داشت و عاشق تاریخ بود. او به شنیدن مصیبت‌های *سید الشهدا* علاقه‌مند و همیشه در حال حفظ کردن خطبه‌های *امیر المؤمنین(ع)* بود. به دو لهجه محلی و فصیح شعر می‌گفت و

تعداد قابل توجهی از قصیده‌های او هم اکنون نزد من است». پدر ایشان معروف نبود و زیاد منبر نمی‌رفت. زیرا در اواسط عمر خویش وارد میدان وعظ و خطابه شده بود. اما *شیخ احمد* در سنین کودکی به میدان وعظ و خطابه وارد شده؛ خودش می‌گوید ده سال یا کم‌تر سن داشت که وارد عرصه خطابه شد.

احمد وائلی سه بار ازدواج کرد. ثمره ازدواج اول ایشان یک فرزند به اسم سمیر بود ولی این ازدواج به طلاق انجامید. همسر دوم‌اش دختر *سید محمد سید عیسی طالقانی* است و او مادر فرزندانی است که *وائلی* آنان را خیلی دوست داشته و هر لحظه مشتاق دیدن‌شان می‌بود،و فرزندان‌اش عبارت‌اند از *استاد محمد حسین وائلی* و *علی* و *حسن* و شش دختر از همسر دوم‌ش نیز دارد که در مورد آن‌ها قصائدی را در دیوان‌اش سروده است. ازدواج سوم‌اش از خانواده مرحوم *شیخ جعفر عطایی* است که خانواده‌ای مؤمن و مکرمه است و دو فرزند از ایشان دارد، و در دیوان‌اش درباره آن‌ها نیز اشعاری سروده است.

این دانشمند توانا و ادیب برجسته در روزگاری زندگی می‌کرد که سرزمین‌اش از استبداد و استعمار رنج می‌برد و گرایش به فرهنگ غربی سکه رایج اوضاع فرهنگی کشور به شمار می‌آمد. از این رو بر آن بود تا با بهره‌گیری از منبرهای حسینی و شعر دینی مردم را به سوی بیداری و پایداری و ارزش‌های دینی رهنمون نماید. وی هیچ گاه تسلیم تهدید و ظلم حاکمان ستم‌گر عراق نشد و بارها از سوی آنان زندانی و تبعید گردید. شاعر در سال ۱۴۲۴ق چشم از جهان فرو بست و از وی آثار فراوانی در حوزه‌های گوناگون برجای مانده است(الطریحی، ۲۰۰۶: ۲۰۳).

سبک شعری

شعر نزد *دکتر وائلی* به مثابه شمشیری برّان بود، و تا می‌توانست از آن در عرصه‌های مختلف جامعه خود استفاده می‌کرد. برای ایشان هرگز شعر پروازی با بال‌های خیال نبود و ساخت شعری او منزه بود از خیال زدگی و گزافه گویی و اذیت جویی و بیهوده سرایی.

در دیدگاه *شیخ احمد* واقعه کربلا فقط از جنبه مصیبت و تراژدی نبود، و رسالت پیام‌رسانی برای حق و حقیقت و آزادگی را برای خود و شعر عاشورایی خود ثابت می‌دید.

در شعر اجتماعی نیز در پی تأثیرگذاری بر اجتماع پیرامون خود بود و هرگز خمودگی و بی‌طرفی در شعر او دیده نمی‌شد. وی به وسیله شعر بر بسیاری از جریانات و امور سیاسی و اجتماعی تأثیر گذاشته و قصائد زیادی در امور سیاسی دارد که مورد پذیرش اجتماع قرار گرفته‌اند و به بخشی از تاریخ سیاسی و فرهنگ سرزمین او بدل شده‌اند.

در شعر سیاسی *شیخ احمد* قصیده «خواب‌های کاذب» دیده می‌شود که سراسر نقد سوسیالیست‌ها و شعارهای آنان است. *شیخ* در اوایل قرن ۲۰ در قصیده با «رودخانه تایمز» به مخالفت با اشغال‌گری و سلطه بیگانگان علی الخصوص استعمار پیر پرداخت، و در اواسط همین قرن پر التهاب با قصیده بلند بغداد به نقد دیکتاتوری خونخوار بعث و ظلم و بیداد آن‌ها بر مردم مظلوم عراق نشست.شعرهای دیگر *شیخ احمد وائلی* در مورد مقاومت فلسطین اوضاع نابسامان عراق خمودگی اعراب در برابر بیگانگان، و عدم اتحاد مردم کشورش نشان می‌دهد که مواضع شیخ در برابر تمامی جریانات پیرامونی‌اش صریح و بی‌پرده است(ابو سعد: ۱۳۳). ایشان در حوزه‌های علمی و نظری دارای اندیشه‌های رفیعی هستند که اجمالاً به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. *شیخ وائلی* از پیشگامان وحدت اسلامی بود. وی دیدی علمی به اعتقادات مذاهب داشت و همواره فرق و مذاهب اسلامی را به نگاه علمی و واکاوی عالمانه مسائل مذهبی دعوت می‌نمود. شخصیت علمی ایشان در حدی توانمند بود که مذهب شیعی قطعاً همواره بدان افتخار خواهد کرد، و منابر او یکسره در دفاع از مکتب جعفری بود و از هیچ کوششی در دفع شبهات دینی و مذهبی دریغ نمی‌کرد. *شیخ وائلی* دشمن سرسخت دشمنان اسلام اعم از مستشرقین و نویسندگان غربی بود و با تسلط علمی آشکاری که داشت بر آنان می‌تاخت، و اطلاعات آنان را در زمینه حقوق بشر و حقوق بانوان و خشونت در اسلام و شرک اسلامی و... را بی‌جواب نمی‌گذاشت و اجازه نمی‌داد هوچی‌گری‌های آنان سبب انحراف افکار مسلمانان شود.

تاریخچه رثای دینی

مرثیه در لغت به معنای گریستن بر مرده و ذکر محامد وی و نوحه سرایی و تأسف از درگذشت او است، و مرثیه ساختن شعری در رثای کسی است که جهان را بدرود گفته و به دیار باقی شتافته است. در اصطلاح ادبی، رثاء یا مرثیه بر شعری اطلاق می‌شود که در

ماتم گذشتگان و تعزیت یاران و بازماندگان و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و بزرگـان و ذکر مصایب بزرگان دین و ائمه اطهار(ع)، به ویژه *حضرت سید الشهدا(ع)* و دیگر شهدای کربلا، و ذکر مناقب و مکارم و تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفی و بزرگ نشان دادن واقعه و تعظیم مصیبت، و دعوت ماتم زدگان به صـبر و سـکون و معـانی دیگـری از ایـن قبیل سروده شده است(محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۹۵). همانطور که عنوان شـد، مرثیـه‌سـرایی یکی از موضوع‌های مهم در ادبیات عربی است. کم‌تر شاعری را می‌توان یافـت کـه بـدان توجه نکرده باشد؛ اگرچه وزن هر شاعر در این موضوع، با توجه به سلیقه و ذوق و شرایط اجتماعی و تاریخی، متفاوت شده است. بی‌گمان در کنار تغزل‌های عاشقانه و عارفانه و پر عاطفه، بی‌آلایش‌ترین نوع شعر، مراثی و منظومه‌هایی با موضـوع سـوگواری هسـتند کـه همچون گوهرهایی گرانبها و ارزشمند در گنجینه ادب نهفته‌اند. چه داعیه سرودن مراثی نه از روی چشم‌داشت مادی و زیاده خـواهی و خواسـت جـاه و مقـام اسـت بلکـه از دل سوخته و مصیبت‌زده شاعر و تأثیرات و تألمات روحـی سرچشـمه مـی‌گیـرد، و همیشـه تازگی خود را دارد و چون از دل برمی‌خیزد، لا جرم بر دل نشید. در ادبیات، کم‌تر شـاعر و گوینده را سراغ داریم که ناخواسته و دل‌شکسته، بدین شیوه طبع خود را نیازموده باشد.

مرثیه بیش‌تر در چهـار موضـوع، سـوگ عزیـزان، مـرگ مشـاهیر، مراثـی مـذهبی و مرثیه‌های وطنی سروده می‌شود. رثاء نوع اول از نظر ادبی ارزش بیش‌تـری دارد؛ چراکـه احساسات و عواطف واقعی شاعر در آن دخیل بوده است؛ در حالی که مراثـی تشـریفاتی، ظاهری و برای به جـا آوردن رسـومات معمـول سـروده مـی‌شـوند، و شـاعر بـا تکلـف و ظاهرسازی خود را اندوهگین نشان می‌دهد؛ اما مراثی مـذهبی از روی ایمـان و سـوز دل سروده شده است و این مراثی نیز متـأثر از شـور و سـوز دل و ایمـان شـاعر بـوده اسـت (افسری کرمانی،۱۳۷۱: ۱۱۰).

رثاء دینی در صدر اسلام

تاریخ نخستین شعر دینی با روزهای نخستین صدر اسلام به ویژه بـا پیـروزی دعـوت اسلامی، شکل گرفته است. شاعران جبهـه اسـلام، سـهم بزرگـی در گسـترش و دفـاع از اندیشه‌های اسلامی بر عهده داشتند.

حسّان بن ثابت، *کعب بن مالک* و *عبدالله بن رواحه* در شمار مشهورترین شاعرانی به شمار می‌آیند که از آن‌ها می‌توان به عنوان بنیانگذار شعر دینی یاد نمود(سلیمانی، ۶۸:۱۳۹۱). رخداد عاشورا در عصر اموی نیز نقش چشمگیری در تحول این شعر داشته است. در روزگار عباسیان و با شکوفایی تمدن اسلامی، شاعرانی همچون *ابوالعتاهیه*، *سید حمیری*، *دعبل خزاعی*، *شریف رضی* و دیگران نیز در تحول محتوایی و ساختاری این شعر مؤثّر بوده‌اند. پیدایش گرایش‌های زهد، تصوف و عرفان در دهه پایانی دوره عباسی و آغاز عصر انحطاط نیز سبب پُر باری این شعر شده است(افسری کرمانی،۹۶:۱۳۷۱).

رثاء دینی در عراق

کشور عراق در دنیای معاصر یکی از سرزمین‌هایی به شمار می‌آید که تحولات داخلی آن، نقش مهمی در شکوفایی و تکامل شعر دینی داشته است. وجود حکومت‌های مستبدی که دست‌نشانده دولت‌های استعمارگر بوده‌اند، در کنار سابقه طولانی این کشور در تاریخ اسلام و جهان تشیع از دلایل پُر باری شعر دینی در این کشور بوده است.

احمد وائلی یکی از بزرگان و شاید پرچمداران شعر دینی در عراق است که هنر شعری‌اش را در خدمت دین و ارزش‌های دینی قرار داده است. بابی که *وائلی* با عنوان شعر دینی گشود، نقش برجسته‌ای در آگاهی و تهذیب اخلاق عمومی جامعه داشته است. وی بیش از سی قصیده بلند و مستقل در دیوان‌اش به دین و موضوعات دینی اختصاص داده است. البته این به آن معنی نیست که دیگر قصیده‌هایش از این شعر، خالی است بلکه در ضمن غرض‌های شعری دیگر نیز به چنین موضوعاتی اشاره نموده است. با اینکه همان اغراض شعری کهن، در این شعر نیز وجود دارد، نوع و چگونگی بهره‌برداری از این اغراض، جلوه‌ای ویژه و رویکردی متفاوت به آن می‌بخشد. وصف، مدح، هجاء و رثاء در تاریخ ادبیات عربی، کاربردی ذاتی و ماهوی دارند؛ به این معنی که هر کسی که از این شیوه‌های شعری در همان هدف و عنوان کلی وصفی توصیف، ستایش، سرزنش و مرثیه به کار برده می‌شوند؛ اما در شعر حماسی آیینی عاشورایی، عملکردی ابزاری و آلی می‌یابند و در خدمت اهداف، مضامین و باورهای دینی قرار می‌گیرند. *وائلی* در اواسط قرن بیستم جایگاه بلندمرتبه‌ای را در خطابه و سخنوری، کسب عمید المنبر

نمود و رهبری منبر حسینی را به دست گرفت و به شایستگی لقب را از آن خود نمود. او در منبر، از اندوخته‌های گوناگون خود به ویژه قدرت ادبی و سرودن شعر بهره گرفت.

کرامت‌های روحانی، جامعیت علمی و فضیلت‌های اخلاقی، او را در جایگاه یکی از دوست‌داشتنی‌ترین خطیبان معاصر عراق قرار داد. ایشان دارای سبک مستقلی بود که سبک ویژه، روش و برنامه‌ای بی‌همتا داشت. سخنوران بعد از او در راه وی گام نهادند، و از اسلوب وی بهره می‌بردند و بسیاری از حرکت‌ها و حتی صدای او را تقلید کردند و این دلیل آشکاری بر خردمندی این خطیب چیره‌دست می‌باشد.

شعر شیعی هم مدح دارد و هم مرثیه و هم حماسه ولی بارزترین شاخصه شعر شیعی پرداختن به مسأله امامت و هدایت‌گری خاندان عصمت و احیای یاد و نام و فضایل آن‌ها، و بازگو کردن مظلومیت‌های خاندان رسالت و افشای جنایات ظالمان نسبت به دودمان پاک *حضرت رسول(ص)* است. از این رو در آیینه شعر شیعی و در رواق ادبیات والایی و آیینی، تصویری از پاکی‌ها و فضیلت‌ها و مبارزات حق طلبانه و مظلومیت عترت و جلوه‌های حماسه عاشورا و فرهنگ غدیر دیده می‌شود. رثای معاصر با وجود حفظ بسیاری از شیوه‌های قدیم، از نظر محتوا از روح بدبینی و خمودگی که در قرون گذشته بر رثاء حاکم شده بود فاصله می‌گیرد و به فخر و حماسه تمایل می‌یابد.

از جلوه‌های مهم رثاء در شعر معاصر حسینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گریه بر اطلال و دمن
۲- وصف احوال درونی شاعر
۳- توصیف فاجعه کربلا و بیان عظمت آن
۴- روح زندگی در رثاء

اشعار دینی *وائلی* مجموعه‌ای از قصاید بلند در مدح *رسول اکرم(ص)* و اهل بیت(ع) و رثای ائمه اطهار به ویژه *سید الشهدا(ع)* است. وی در دیوان شعری‌اش ۳۶ قصیده دینی داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به قصاید زیر اشاره کرد: «فی رحاب الرسول»، «فی محراب العشق»، «الی ابی تراب»، «الزهراء»، «الامام حسن(ع)»، «الامام حسین(ع)»، «رسالة للحسین»، «فاجعة الطف» و «الدم الثائر» اشاره کرد(باقری، ۱۳۹۲: ۲۸). *وائلی* سابقه درخشانی در زمینه خدمت به منبرهای حسینی دارد. او از عنفوان

جوانی این مسیر را انتخاب نموده است. اولین مجلس خطابه *وائلی* در نجف، کوفه، حیره و فیصله بود و سپس ایراد خطابه را در مناطق مختلف عراق از قبیل بصره، شطره، ناصریه، بغداد، المجر الکبیر، نجف و کربلا، و بعضی از روستاها و شهرهای دیگر عراق ادامه داد. تا اینکه در سال ۱۹۵۱م به کویت دعوت شد تا در مکان حسینیه خزعلی به مناسبت دهه اول محرم خطابه ایراد کند. او ۹ سال پی‌درپی در آنجا بر منبر، خطبه می‌گفت و بعد از آن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ میلادی به بحرین رفت، سپس به کویت برگشت و تا دهه ۸۰ میلادی آنجا بود، و بعد به لندن رفت و در آنجا درباره عاشورا خطابه ایراد می‌کرد. بعدها به بغداد رفت و مجالسی را در ماه رمضان برگزار می‌کرد، سپس به دسبی رفت و در مسجد امام علی(ع) به تبلیغ ارزش‌های دینی پرداخت. *دکتر احمد وائلی* در اواسط قرن بیستم جایگاه بلندمرتبه‌ای را به خود اختصاص داد و در خطبه‌گویی و سخنوری منبر حسینی را به دست گرفت، و به شایستگی لقب «عمید» و «رئیس منبر حسینی» را بدون هیچ رقیبی از آن خود کرد و دیگر سخنوران و خطیبان نیز نمی‌توانستند به توان و قدرت او در خطابه و سخنوری و فکر و ادباش برسند. سخنوران بعد از او در راه وی گام نهادند و از پرتو مدرسه وی بهره بردند و بسیاری حرکت‌ها و حتی صدای او را تقلید کردند و این دلیل خردمندی این خطیب چیره دست است. به اعتقاد ایشان *شیخ وائلی* منبر حسینی باید دارای شرایط زیر باشد:

۱- قبل از هر چیزی باید برای خدا باشد.
۲- منبر باید مرتبط با مصالح عمومی باشد و از تبدیل شدن به چاقویی در دست افراد و گروه‌ها علیه افراد و گروه‌های دیگر پرهیز شود.
۳- نباید از منبر به ضرر حقایق و ارزش‌ها، و برای ارضای عوام استفاده شود(منفرد، ۹۳:۱۳۸۶).

رثای پیامبر(ص) در شعر وائلی

مدح پیامبر قدمتی دیرینه دارد. در تاریخ ادبیات عرب کم‌تر شاعری است که در اشعار خود به نوعی از آن حضرت ذکری به میان نیاورده باشد. شاعران در سده‌های مختلف کوشیده‌اند تا شمه‌ای از این شخصیت ممتاز را در اشعار خویش منعکس کنند.

قصیده‌ای که *وائلی* در مدح *نبی اکرم(ص)* سروده از نام پیامبر به عنوان نمادی برای اشاره به آرمان‌های اسلامی استفاده نموده است. وی در این قصیده فروپاشی مجد و شکوه جامعه عرب و مسلمان را به تصویر می‌کشد و در نهایت از پیامبر درخواست می‌کند که مسلمانان را از ظلم و جور نجات دهد.

از جمله بارزترین مسائلی که در مطالعه این بخش از اشعار *وائلی* خودنمایی می‌کند، استفاده اجتماعی و سیاسی او از مدح اهل بیت به ویژه *رسول اکرم(ص)* است، و این بخش هماهنگی کامل با شخصیت خطابی و علمی و روحانی او دارد. گاه در اشعار *وائلی* شاهد اندوه و نگرانی او نسبت به جهل برخی از مسلمانان و درگیری‌های طایفه‌ای و فرقه‌ای در کشورهای اسلامی و عقب ماندگی علمی و فرهنگی امت رسول خدا در واقعیت جهان امروز هستیم(طریحی، ۵۴:۱۴۱۶).

سَیَکوُنَ لِلاَحرارِ رَاساً شامِخاً   بَعد المَماتِ وَلِلهُدی مِشعالاً

(الوائلی، ۲۶۷:۲۰۰۵)

- پس از حسین(ع) آزادگان با سرافرازی جان به مرگ می‌سپارند و مشعل هدایت خواهند شد.

در این بخش به اشعار *شیخ احمد وائلی* در رثای پیامبر گرانقدر اسلام(ص) خواهیم پرداخت.

رثای امام علی(ع) در شعر وائلی

با نگاهی گذرا به ادبیات منظوم عربی درمی‌یابیم که مولای متقیان(ع) از صدر اسلام تا کنون در آن حضوری پُر رنگ داشته است. شاعران همواره کوشیده‌اند تا این شخصیت بی‌بدیل را در اشعار خود منعکس نمایند. دیوان *وائلی* سرشار از توصیفات حضرت *امیر المؤمنین(ع)* و اظهار ارادت و ادب به ساحت مقدس آن حضرت است. بیان فضیلت‌ها و ویژگی‌های امام(ع) بازکاوی و تحلیل تاریخی جریان‌های صدر اسلام، نکوهش دشمنان و کینه‌توزان، فراخوانی شخصیت تاریخی امام(ع) جهت اصلاح امور، و پایداری در برابر استبداد و استعمار، پیوند میان شخصیت جهادی امام(ع)، و ادبیات پایداری در سرزمین‌های اسلامی معرفی امام(ع) به عنوان هم‌دم پیامبر(ص) و هم‌نشین قرآن،

گزینش اعتدال و پرهیز از غلو و اغراق در ترسیم سیمای امام(ع). به طور اجمالی می‌توان گفت *وائلی* در بیان مضامین شعر علوی خویش از این ساختارهای شعری بهره فراوان گرفته است: بیان خطابی- حماسی، عاطفه نیرومند و راستین شاعرانه، تشبیه ضمنی و تشخیص بلاغی، کاربرد تعبیرهای رمزی و عرفانی و همچنین تلمیح به رخدادها (سلیمانی، ۹۸:۱۳۹۱).

فخر کعبه

شیخ احمد وائلی در مدح *حضرت علی(ع)* از آغازین روزهای زندگی حضرت استفاده کرده و از تولد حضرت به عنوان فخر خانه خدا نام برده است. ایشان با بیان مضمون تا آنجا پیش رفته که موجودیت و ماهیت کعبه را قائم به این شرف دانسته است.

مولایَ هل تذکرُ الدنیا طلُوعک والـ ـــأیّامُ غارقـةٌ فـی الحلـکِ السُّـودِ
وَالبیـت وَالکَعبَـة الغَـراءُ مُثقِلَـة بواقـعٍ للِهَـوَی وَالجهـلِ مَشـدُودِ
حتی افـاضَ بِهـا النعمـی وَأکرَمَهـا رَبُّ السـماءِ وأعلاهـا بمولـوُد

- مولای من! آیا دنیا لحظه شروع تابیدن تو را به یاد می‌آورد، آنگاه که روزگار غرق در گمراهی و سیاهی بود/ و خانه درخشان کعبه در زیر بار هواپرستی و جهالت کمر خم کرده بود/ اینکه پروردگار آسمان‌ها نعمت را بر آن فرو بارید و با مولودی که به آن عطا فرمود مقام‌اش را بلند نمود

مولود کعبه منجی و فخر خانه خدا است زیرا به واسطه تولد میمون و مبارک‌اش سیاهی و پلیدی را از آن دور ساخته، و بی اغراق صاحب خانه به واسطه او خانه خود را غرق در نور و نعمت گردانیده است.

وائلی در ادامه این شعر این افتخار را دوسویه دانسته و حضرت را مفتخر به این دانسته که تنها مولود کعبه است و چه شرفی از این بالاتر؟ به راستی که حضرت فخر عالم امکان است و یقین محل تولد او مفتخر به این شرف است که اولین قدمگاه چنین موجود نازنینی بوده است. *وائلی* به زیبایی به این نکته اشاره کرده و آن را همچون گردنبندی می‌داند که تا ابد در سینه کعبه خواهد درخشید، و هیچ کجای زمین چنین واقعه‌ای را به خود نخواهد دید.

رثای حضرت زهرا و امام حسن(ع) در شعر وائلی

گرچه سخن گفتن از شخصیت جامع و بی نظیر فرزند پیامبر(ص) بسیار دشوار است اما برای اظهار محبت و عشق به آستان آسمانی‌اش، شاعران و نویسندگان عرب‌زبان آثار خود را با یاد و نام او مزین نموده‌اند. *وائلی* در اشعاری که برای *حضرت زهرا* سروده است کم‌تر از ابهام لفظی و معنوی استفاده نموده است و این می‌تواند ویژگی بارز شعر فاطمی او باشد؛ زیرا اکثر شاعران و سخنوران به خاطر تحکیم وحدت بین شیعه و سنی، در ذکر مصائب جگرگوشه پیامبر(ص) مسائل را مسکوت گذاشته و با ایهام و کنایه سخن گفته‌اند.

وائلی به راحتی آنچه در دل داشته به زبان آورده، و چنان صریح است که گویی در متن حوادث زمانه حضور داشته و به جانبداری از حق و حقیقت و طرد باطل موضع می‌گیرد(واسطی، ۱۴۱۴: ۶۵).

در این بخش به اشعار *وائلی* در مدح و رثای *حضرت زهرا(س)* خواهیم پرداخت.

سرور زنان اهل بهشت

وائلی در مقدمه قصیده «الزهراء» به فضیلت‌های *حضرت فاطمه(س)* اشاره می‌کند. خانواده حضرت *فاطمه* از لحاظ کرامت و اصل و نسب از شریف‌ترین خانواده‌ها است. پدرش، سرور پیامبران و مادرش از سروران زنان اهل بهشت است، و همسرش *حضرت علی(ع)*، سیّد الاوصیاء بوده و همتا و شبیهی برای این خاندان نیست.

کیفَ یدنُو الی حَشای الدّاءُ	وبِقلبِی الصّدیقة الزهراءِ
مَن ابوها وبَعلها وبَنوها	صفوةٌ ما لمثلهم قُرناء
وَکیان بناهُ احمدٌ خُلقاً	ورَعتهُ خدیجة الغَراءِ
او لَم یَعلموا بِانک حبّ	المصطفی حینَ تُحفظُ الاباء

- چگونه درد می‌تواند به درون من نزدیک شود در حالی که عشق حضرت زهرا(س) در قلب من است/ کسی که پدرش و همسرش و فرزندان‌اش برگزیدگانی‌اند که شبیهی برای آن‌ها نیست/ و هستی کائنات را پیامبر با اخلاق بنا کرد و ساخت و حضرت خدیجه بزرگوار از آن مراقبت کرد/ اگر آن‌ها عشق و دوستی را می‌دانستند پدران آن را نگه می‌داشتند و حفظ می‌کردند

رثای امام حسین(ع) در شعر وائلی

بیش‌ترین سروده‌های *شیخ احمد وائلی* در رثای اهل بیت(ع) مربوط به *امام حسین(ع)* است، و این شاعر بیش از هر کس دیگر برای این امام مظلوم(ع) شعر گفته است. *وائلی* لفظ شعر را ناتوان از انتقال معنا و مفهوم وجودی *امام حسین(ع)* دانسته و وی را که در حماسه و شفاعت، بی‌همتا است، برتر از هر لفظی می‌داند. *وائلی* به خاطر دشواری‌هایی که رهبری‌های نادرست برای مسلمانان رقم زده است به فراخوانی تاریخی شخصیت امام(ع) روی می‌آورد و از ایشان طلب یاری دارد؛ وی با تشبیه امام(ع) به چشم‌هایی که در جان‌ها جوانه می‌زند و بهاری که شمیمی روح‌افزا دارد، وی را در زمانه تسلط تاریکی، همچون فردایی می‌داند که امید است تا طلوع سپیده دم، رهایی را نوید آورد. از امام(ع) تقاضا می‌کند که دوباره بر زمین فرود آید؛ زیرا وی همان است که طلوع را به ارمغان آورده و ستارگان از او نور گرفته‌اند. ستایش از نسب حضرت سرآمد همه مدایح حسینی است، و این امر خدشه‌ای به ارزش این مدایح وارد نمی‌آورد چراکه مدح نسب در این ممدوح از دو جهت به مدح فضایل برمی‌گردد و در حقیقت برترین نوع مدح می‌باشد:

۱. اتصال این نسب به پیامبر(ص) و معدن وحی به آن قداست و معنویت می‌بخشد.

۲. آنچه از شرف، کرامت و حسن در نسب ممدوح ذکر می‌شود تأیید بر این خصال در نفس ممدوح است. در زبان عربی برخی از مورخان، *عبیدالله بن حّر* جعفی را که امام شخصاً به خیمه او رفته و از وی طلب یاری نمود، نخستین زائر و مرثیه سرای *امام حسین(ع)* معرفی می‌کنند؛ و برخی دیگر *سلیمان بن قته* را پیشگام نوحه سرایی در سوگ عزیز پیامبر(ص) می‌دانند(باقری،۱۳۹۲:۷۸).

ابا الطَّفِّ ما جِئنا لِنبنی بِلفظنا	لِمَعناک صرحاً انّ مَعناکَ امنعُ
متی بَنت الالفاظ صرحاً وإنما الصـ	ـصُروحُ بِمقدود الجماجم تَرفَعُ
ألا إنَّ بُرداً من جراح لبسته	بنی لَکَ مجداً من جراحکَ یُصنَعُ

(وائلی، ۲۰۰۵:۹۸)

- ای امام کربلا! ما نیامدیم تا با الفاظ خود از اوصاف زیبایت کاخی بنا نهیم، زیرا این کار از توان ما خارج است/ چه زمانی الفاظ صریح و آشکار ساخته شدند و

مسلماً این صراحت به قدر و اندازه ستون‌ها بالا می‌رود/ مگر نه اینکـه عبـایی از پوست پوشیده‌ای که بزرگی و ارزشمندی را به تو بالا می‌برد

حادثه طف

گفتیم که بیش‌ترین سروده‌های *شیخ احمد وائلی* در رثای اهل بیت(ع) مربوط به *امام حسین(ع)* است. در این بخش به ابیاتی که این شاعر متعهد در مورد واقعه ۶۱ هجـری و آثار ماندگار آن گفته است می‌پردازیم.

وائلی در مورد اثر ماندگار خون حسین*(ع)*، در تعبیری عرفانی، عطـر خـون شـهیدان کربلا را تا امروز بر شن‌های صحرا قابل استشمام می‌داند، و یادآوری می‌کند همانگونه که زمین به خاطر پیروزی امام، تاج غرور بر سر نهاد, هر دانه شن نیز به خاطر لمـس خـون شهیدان، تاجی بر سر خود نهاده است:

یا ابا الطفِ یا نجیعاً الی الانِ — تَهادی عَلـی شـذاه الرُّمـولِ
توّج الارض بالفُتوحِ فللرَّمـلِ — علـی کُـلِّ حبَّـةٍ اکلیـلِ
ارجفوا انَّکَ القَتیل المَـدَّمی — اوَ مَن یَنشـی الحَیـاة قتیـلٌ

(وائلی، ۲۰۰۵: ۴۰)

– ای امام حسین(ع)! ای خونی که شنزارها از بوی خوش آن سرمست‌اند/ زمین به واسطه پیروزی‌هایت تاج بر سر نهاده است و بر هر دانه شن به واسطه خون تـو تاجی نهاده شده است/ همانا تو کشته شده هستی که من بـا خـواری و تضـرع اشک می‌ریزم یا شخص کشته شده به زندگی امیدواری می‌دهد

وائلی همچنین در قصیده «حدیث الجراح» به این نکتـه اشـاره مـی‌کنـد کـه رخـداد عاشورا همیشه مانـدگار اسـت، و صـفحه‌هـای آن هرگـز از بـین نمـی‌رود و پیـامبر(ص) عهده‌دار نگهداری از پاره‌های تنِ *امام حسین(ع)* است. وی معتقد است که حادثه طـف و *امام حسین(ع)* نه‌تنها داستان امروز است؛ بلکه داستان فرداهـای پـی‌درپـی نیـز اسـت و پیامبر(ص) به سبب چنین حماسه‌ای به خود می‌بالد:

یا ابا الطّفِ ساحةُ الطّفِ تبقی — وعَلیهـا مَشـاهِد لا تَـزول
فَهنـا والنّبـیُّ یرقَـبُ شـلوا — مَزّقتـه قِنـاً وداسَـت خُیـول

یزدهیـــــه بأنَـــه وحُســــین قِصـةُ الامـسِ والغَـدِ المُوصـول
وبأنّ الرُّوحَ الذی حمَل السِّبطِ تُـــراثٌ مِـــن النّبـــی اصـــیلٌ
(وائلی،۲۰۰۵: ۴۱)

- ای امام حسین(ع)! کربلا ماندگار است در حالی کـه منـاظری در آن اسـت کـه هرگز فراموش نمی‌شود/ پس اینجا پیامبر از پاره تنی نگهداری می‌کند که نیـزه پـاره‌پـاره‌اش کـرد و اسـب‌هـا از رویـش گذشـتند/ پیـامبر(ص) بـه اینکـه او و حسین(ع) داستان دیروز و فردای موعود هستند، فخر ورزید/ و به اینکه روحـی که در فرزندان‌اش نهفته، میراثی اصیل از اوست افتخار کرد

رثاء غیر دینی

در مورد رثای غیر دینی گفتیم که شامل رثای خانواده، رثای دوستان و رثای شـهرها و کشورها می‌شود. شیخ احمد وائلی که یکی از مجرب‌ترین و بهترین شاعران سبک رثـاء است اکثر مراثی خود را در زمینه دینی سروده است. امـا ایـن گونـه شـعری را در مـورد رثای غیر دینی نیز تجربه نموده و آثار زیبایی را خلق نموده است. در این بخش به اشعار و سروده‌های *شیخ احمد* در زمینه رثای غیر دینی خواهیم پرداخت.

رثاء همسر

یکی از موارد رثای غیر دینی و علی الخصوص رثای خانواده در شعر *شیخ احمد وائلی* مرثیه جانسوزی است که وی در غم از دست دادن شریک و همراه زنـدگی خـود سـروده است. در این شعر به خوبی نمایان است کـه همسـر او هـم‌دم و یـار دیـرین اوسـت و بـا رحلت‌اش چنان شیخ را در غم تنهایی فرو برده است که تنها اشک می‌تواند به او آرامـش دهد.

وائلی نمی‌خواهد به یکباره از کنار این مصیبت بگذرد بلکه در شعرش اشاره مـی‌کنـد که می‌خواهد در آرامش، این حزن و اندوه را توسـعه داده و آن راماننـد طفلـی در کنـار خود رشد و پرورش دهد:

رَفیقَة عُمرِی هَل لِجُرحِـی بَلسـمَ؟ رَحیلـکَ ادمـاهُ ومـا انقطـعَ الـدمُ

مَــددَت لــهُ کَفــی فلمَّــا رَددتهــا اذا الکــفُ مِمــا یَنــزَفُ الجُــرحُ عِنــدَم
احاولُ اسلُو الحُزنَ او اطردَ الشَـجی فَیُکبــــرُ حُزنــــی بالسُـــلو ویَعظِــــمُ
واصحُوا عَلی سَکبَ الدُمُوع ونوحهـا وللــــدمعِ ثغــــرٌ ربمــــا یــــتکلمُ
(الوائلی،۲۰۰۵:۲۳۴)

– ای رفیق و همراه عمر من! آیا با این جراحت‌ام می‌تـوانم از گریـه و زاری دسـت بردارم؟ رفتن‌ات مرا ویران کرد و این زخم مـرا شکسـت داد/ بـازوان‌ام را یـاری کنید زیرا نمی‌توانم او را بازگردانم، بـازوانی کـه مـدام خـون تـازه از آن جـاری است، می‌خواهم غم‌ام را فراموش کنم و این غم گلوگیر را کنار بزنم تا با آرامش آن را رشد دهم و بزرگ نمایم/ با ریختن اشک و نوحـه و زاری آرام مـی‌شـوم و فقط زمانی که سخن می‌گویم در بین اشک‌هایم وقفه می‌افتد

وائلی در این شعر از جراحتی سخن می‌گوید کـه تـوان را از او ربـوده و بـازوان‌اش را سست کرده. به راستی این همراهی و رفاقت چگونه بوده که *وائلی* با فقدان یار و یـاورش چنین درمانده شده است که حتی رمقی در بازوان خسته و مجروح‌اش نمانده است؟

وائلی در ادامه دلیل این همه غم و اندوه را از دست دادن رفیقی می‌داند کـه اوصـاف بسیار پسندیده‌ای دارد. او مناعت طبع و قناعت را شاخصه همسرش می‌داند. فردی پاک و معصوم با روحی لطیف و مهربان که حتی خودِ غم و اندوه نیز در ملاقات با او از دیـدن چهره‌اش متبسم و شاد می‌شوند.

حقیقتاً فقدان چنین شخصی با توصیفاتی کـه *وائلـی* از او ارائـه مـی‌دهـد سـنگین و جبران ناشدنی است. *وائلی* یادآوری می‌کند کـه خـاطرات شـیرین‌اش باعـث اضـطراب و آشفتگی او می‌شود، و احساسـی دوگانـه بـه ایـن خـاطرات دارد؛ یعنـی از طرفـی باعـث ناراحتی او می‌شوند و از سویی دیگر تمایل به یادآوری این خاطرات خوش دارد.

در ادامه شاعر برای همسرش طلب رحمت و خیر کثیـر مـی‌کنـد و بـه ایـن موضـوع اطمینان دارد که هم‌جواری با مولای متقیان(ع) سبب قرین رحمت شدن او می‌شود:

رفیقة عُمری آنـسَ اللهُ وحشـةً وبل ثـریّ واراک بالغیـثِ یَسـجمُ
واعطاکَ مِما عِندَهُ مِـن نِعیمِـه فمـا عِنـدَه خیـرٌ وأبقـی وأرحـم
هنیئـاً بمثـواک الکـریم بتربـةٍ بحیـث مجیـرٍ جـاره لا یَسـلمُ

وجارٌ عليٍّ بالحَمى وابو الحَمـى سَـرى يحيــى الوافـدينَ ويكــرمُ
دَفنَت بهِ أهلي ورَهطِي فَكُلُّهـم لَــدَى تَلعــاتٍ بــالغريينَ نــوّم

(وائلی، ۱۱۱:۱۴۰۵)

هم‌دم عمر من! خداوند انیس و هم‌دم تو باشد و به تو آرامش دهد و بـاران رحمـت‌اش را بر تو بباراند/ و از نعمت‌های خودش به تو عطا کند که آنچه نزد اوست ماندگار و رحمـت همیشگی است/ گوارا باد بر تو آرام گرفتن در خاک کریمی که پناهگاه همسایه‌اش اسـت و هرگز نیکی کردن به او را ترک نمی‌کند/ همسـایه علـی(ع) تحـت حمایـت اوسـت و او مانند رودی است که واردشوندگان به آن را حیات می‌بخشد و به آنان محبـت و احسـان می‌کند/ خانواده‌ام و عشیره‌ام را در آنجا به خاک سپردم؛ که همگی‌شان نـزد مکـان‌هـای شریفی هستند و در جوار بزرگان و اشراف آرمیده‌اند

چه توفیقی از این بالاتر که انسان همسایه فرد کریمی باشد که آوازه بخشش و لطـف و مهربانی او در عالم پیچیده است؟ *وائلی* نمی‌تواند شـادی خـود را از ایـن اتفـاق پنهـان کند. او همسرش را از دست داده با این حال از اینکه وی را به دسـت شـخص مهربـان و شرافتمندی سپرده است خوشحال است و امید دارد کـه ایـن حسـن هـم‌جـواری سـبب آرامش و رفاه ابدی همسرش گردد.

وائلی در شعری با عنوان «الی ام محمد» نامه‌ای حزین و پر از گلایه نوشته که بـودن در غربت را به زندان تعبیر نموده است، و از آرزوها و دل‌خوشی‌های یـک زنـدانی سـخن می‌گوید.

نتیجه بحث

تاریخچه رثاء بسیار قدیمی است. رثاء دینی به زمان صدر اسلام بازمی‌گردد که برخی از شعرا در مصیبت‌های پیامبر و خاندان او شعر سرودند، و این نوع رثاء را تجربه کردنـد. *شیخ احمد وائلی* نیز به عنوان یکی از مشـهورترین مرثیـه‌سـرایان جهـان عـرب و نگـین پر افتخار ادبیات عـراق شـناخته مـی‌شـود کـه بـیش‌تـر محبوبیـت خـود را بـه واسـطه مرثیه‌سرایی بر خاندان اهل بیت عصـمت و طهـارت بـه دسـت آورده، و تـا حـد زیـادی توانسته است این هنر خاص را ارتقاء ببخشد.

وائلی در شمار شاعرانی است که مدح و رثای *سید الشهداء* را با موضوع‌های اجتماعی و سیاسی زمان پیوند می‌دهد و از طریق منبرهـای حسـینی(ع) نقـش بسـیار مهمـی در آشنایی جوانان مسلمان با آموزه‌های حسینی داشت. شعر دینی او که غالباً در چهارچوب شعر حسینی است پر حرارت و تأثیرگذار و متناسب با نیاز منبر و خطابه بـود و از لحـاظ مردمی و ادبی نیز مقبول همگان بود.

رمز موفقیت وی در خطابه و ادبیات دینی بهره‌گیری از آموزه‌هـای حماسـه حسـینی بوده است. اسلوب شیوا و جادوی بیان وی نیز در تأثیرگذاری بر مخاطبان بی‌تأثیر نبـوده است. رثاء گونه‌ای شعر است که در مصیبت گفته می‌شـود و بـه واسـطه اینکـه مصـیبت ابعاد گوناگونی دارد این گونه شعری نیز متفاوت و گوناگون است.

مصیبت در یک تقسیم کلی به دو دسته تقسیم می‌شود یعنی یا جنبه الهـی و دینـی دارد، و یا اینکه مصیبتی منتسب به موضوعات غیر دینی و الهی است. از این رو شعر رثاء نیز به دو دسته رثاء دینی و رثاء غیر دینی تقسیم می‌شود. شعر *شیخ وائلـی* آمیختـه بـا الفاظ و واژگان فخیم و درخشان است. لذا از شاعران حرفـه‌ای و باتجربـه درجـه اول بـه حساب می‌آید.

شعر حسینی او پر حرارت و تأثیرگذار و متناسب با نیاز منبر و خطابه بود که از لحاظ مردمی و ادبی نیز مقبول و پذیرفته بود، و همینطور اشعار او در مدح و رثاء ائمه(ع).

ایشان در مورد تمامی اهل بیت(ع) مرثیه سروده و همانطور که بررسی نمودیم در این زمینه به غیر از معصومین به دیگر افراد خاندان پیامبر(ص) نیز پرداخته است.

ایشان در مورد رثای غیر دینی که کم‌تر معمول است نیز دستی بر آتش داشته و شعر رثاء گفته است. در زمینه رثای غیر دینی می‌توان به رثای همسر و فرزندان اشـاره نمـود. *وائلی* دو شعر بلند در رثای همسر مهربان و رنج‌کشیده‌اش *ام محمـد* سـروده اسـت و در این اشعار نهایت تأثر خود را از دست دادن رفیـق عمـرش بیـان داشـته اسـت. در مـورد فرزندان‌اش نیز در چند نوبت اشعاری در فراق و دوری آن‌ها گفته است؛ اما به طور ویـژه در مصیبت از دست دادن فرزندش *احمد* شعری جانسوز و پر سوز و گـداز سـروده اسـت که بسیار کم نظیر و در اوج زیبایی و هنر گفته شده است. نایـاب‌تـرین بخـش رثـاء نیـز همانطور که اشاره شد در زمینه رثای غیر دینی موضوع مرثیه بر شهرهاست که به سبب

شرایط ویژه‌ای که هم *وائلی* و هم کشور عراق تجربه کرده‌اند. این مورد به یکـی از نقـاط عطف دیوان *وائلی* بدل شده است. از طرفی *وائلی* بیش‌تر سال‌های عمر خود را به واسطه جور حکام عراق در تبعید به سر برده است و از سوی دیگر عراق و علی الخصـوص شـهر بغداد به خاطر بی لیاقتی نادانی و گاه جنون سیاستمداران آن به ویرانه‌ای بدل شـده کـه فرسنگ‌ها با آن پایتخت رؤیایی علم و ادب و ترقی فاصله داشته است.

از این رو *وائلی* به این شهر و بناهای آن جان داده، و به سان موجـودی زنـده کـه بـه پایان عمر خود رسیده و در حال احتضار است بر بالین آن حاظر شده و به مرثیه سـرایی مشغول شده است. به هر حال می‌توان چنین نتیجه گرفت که *شیخ احمد وائلـی* چـه در رثای دینی و چه در رثای غیر دینی قله‌های کمال و لطافت را فتح کرده است و این هنر رثاء و مرثیه سرایی را به اوج خود رسانده است تا آنجا که به جواهری بـی همتـا در ایـن زمینه بدل شده و به نوعی این هنر را باید به نام او نوشت بـه نـام او خوانـد و بـه نـام او شناخت.

کتابنامه

ابو سعد، احمد. بی تا، ۱۴۰۵ق، **الشعر والشعراء فی العراق**، بیروت: مطبعة المعارف.
افسری کرمانی، عبدالرضا. ۱۳۷۱ش، **نگرشی به مرثیه سرایی در ایران**، تهران: انتشارات اطلاعات.
باقری، ابوالقاسم. ۱۳۹۲ش، **بررسی اشعار حسینی شیخ دکتر احمد وائلی**، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البیت(ع).
سلیمانی، کامران. ۱۳۹۱ش، **درآمدی توصیفی- تحلیلی بر شعر دینی احمد وائلی**، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
طریحی، فخرالدین. ۱۴۱۶ق، **مجمع البحرین**، تهران: بی نا.
کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ق، **الکافی**، قم: دار الحدیث للطباعة والنشر.
منفرد، سهیلا. ۱۳۸۶ش، **بررسی رویکردهای ادبی دیوان شیخ احمد وائلی**، بی جا: بی نا.
نجیب، عباس. بی تا، **احمد الوائلی مفکراً، مربیاً، خطیباً و شاعراً**، بغداد: مکتب احمد الدباغ.
واسطی، زبیدی. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار الکفر للطباعة والنشر والتوزیع.
وائلی، احمد. ۱۴۰۵ق، **الدیوان الأول من شعر الشیخ احمد الوائلی**، بیروت: مؤسسه أهل البیت(ع).
وائلی، احمد. ۲۰۰۵م، **دیوان شعر الدکتور الشیخ احمد الوائلی عمید المنبر الحسینی**، الطبعة الاولی، بیروت: بی نا.

مقالات

محسنی نیا، ناصر و آرزو پوریزدان پناه. ۱۳۸۸ش، «**مرثیه سرایی در ادب فارسی و عربی**»، ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۸.

Bibliography

AbuSa'ad, Ahmad . Bye to .1405 AH . Alshaarvaalshoaarafeleraq . Encyclopedia . Lip bread - Beirut .
Officer Kermani, Abdolreza .1371. An Attitude to Paternity in Iran. Tehran . Release information .
Bagheri , Abolghasem .1392. Review of poetry by Hosseini Sheikh Dr. Ahmad Waeli . Iran - Don Razi - Kermanshah
Soleimani , Kamran .9191. Descriptive - Analytical Income on Religious Poetry by Ahmad Waely . Iran - Razi University - Kermanshah

Explicit , Fakhruddin 0.1416 AH . Assembly of Al-Bahrain .6 Vol . Bookstore . Tehran - Iran . Third
Amli , Hor , Mohammed ibn Hasan . 1409 AH . Wasael . Volume 14. Al - Al-Bait Institute (AS). Qom - Iran . First .
Kelly , Abu Ja'far , Mohammed bin Ya'qub . 1429 AH . Al-Afay (ta - da r al-Hadith). Volume 15. Dar al-Hadith of Lalba'ya and Al-Nashir . Qom - Iran . First .
Mohseneniya , Naser - PourizdanPanah , wish . Persian Literature and Arabic Literature . Adaptive literature . In the second . No. 1388.8
ingle , Soya La . Year 1386. Check literary approaches Sheikh Ahmed WaelCourt .
Najib , Abbas . AldktvrGhanem . Waeli . Ahmed . Al-
Awaili'scommentary . . Coach .. Khtyba .. andShara .. Baghdad . Ahmad al-Dabbaghschool .
Vaeli , Ahmed , 1405 AH . Al-Dyvan al-Awl i am al-Sheikh Ahmad al-Waweli . Beirut . Ahl al-Bait Institute (AS).
Wylie , A. 2005 BC . The Divine Poetry of Al-Daktar al-Shabbat Ahmed Al-Walei Amid al-Manbur al-Husseini al-Tiba al-Awli . Beirut - Lebanon
Intermediate , Zubaidi . 1414 AH . Tavaresu I am Jewel of Alam Amos .20 vol . Dar al-Kfar al-'Abba'a and al-Nashir al-Tha'a . Beirut - Lebanon . First .